

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد عزیز اخیراً یکی از شاگردانتان از شما در مورد ویژه نامه خاتون که توسط روزنامه ایران چاپ شده بود از شما سوال کرده بودند و شما آن را تایید کرده بودید بعد از این قضیه من ژیکیری کردم و یه سری مطالب در مورد آن پیدا کردم که به شرح زیر می آید: خسرو معتضد، از پژوهشگران تاریخ در واکنش به گفته‌های کلهر، روایتی دیگر از سوغات ناصرالدین شاه از سفر فرنگ نقل کرده است: «اولاً ناصرالدین شاه چادر سیاه را از اروپا به ایران به ارمغان نیاورد و چیز دیگری آورد که رنگ آن سفید بود و نه سیاه. همه کتاب‌های تاریخی قاجار از یادداشت‌های دوستعلی‌خان معیرالممالک نوه دختری ناصرالدین شاه و مداح او، تا علی‌خان ظهیرالدوله و کتاب مرحوم دکتر یحیی ذکا و کتاب تاریخ اجتماعی واداری قاجاریه نوشته عبدالله مستوفی و کتاب سردنیس رایت؛ «ایرانیان در میان انگلیسی‌ها و انگلیسی‌ها در میان ایرانیان» را که بخوانید آگاه می‌شوید. ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان ۱۲۹۰/۱۸۷۳ خواهان مسلمان کردن و صیغه شدن و آمدن چند زن زیبای بالرین (رقاصه) فرنگی به ایران شد. ... اما به هدف خود نرسید و بالرینی پیدا نشد به ایران بیاید و افتخار همسری شاهنشاه را بیابد! در سفر بعد دستور داد به تعداد زنان حرمش، شلیته یعنی دامن سفید رقص کوتاه و شلوار چسبان سفید رقص خریداری کنند. این لباس زشت و نامناسب با اخلاق و عادات و عرف و عفت زنان ایرانی را به ایران آوردند و در دربار رایج کردند. لباس تنگ و نامتناسبی بود که متأسفانه تعدادی از خانواده‌های اشرافی هم از آن استقبال کردند و مانند مینی‌ژوپ و ماکسی‌ژوپ دوره‌ای داشت و تمام شد و مردم آن البسه را دور ریختند. البته شلیته‌ها را بلند و شلوارها را گشاد و سیاه کردند که سال‌ها زنان طبقات پایین می‌پوشیدند. این لباس فقط ناصرالدین شاه هوسباز را خشنود می‌کرد.» این دو روایت از سفرنامه ناصرالدین شاه ما را بر آن داشت که در جستجوی سوغات ناصرالدین شاه به کتب تاریخی رجوع کنیم و پوشش زنان را پیش و پس از این سفرها مورد بررسی قرار دهیم. خانم نیلچی زاده (استاد حوزه و دانشگاه) در مصاحبه با سایت تبیان: بر اساس تحقیقات من چادر نیم دایره چادر اصیل ایرانی نیست. چادر اصیل ایرانی به زمانی بر می‌گردد که ایرانی رسماً شیعه شد. بعد از جنگ قادسیه ایرانی‌ها مسلمان شدند اما چون اسلام حقیقی به آن‌ها نرسیده بود دچار تناقض شدند. تا زمانی که در زمان صفویه شیعه شدند و گمشده‌های تاریخی شان را در این مکتب پیدا کردند. مقام رهبری می‌فرمایند: میراث صفویه برای ما عشق به اهل بیت است. البته مشکلاتی هم داشتند اما خدمات زیادی آن زمان انجام شد. در آن دوره یک چادر تولید شد به نام چادر کمری یا چادر اصیل ایرانی و کلمه ی چادر قجری یک ناسزا است زیرا قاجاریه زمانی بود که ایران از

لحاظ فرهنگی افول کرد. این اسم را رضا خان انداخت بر سر زبان‌ها. برای تمسخر چادر ایرانی. چادرکمری بیشترین شباهت به چادر حضرت زهرا سلام الله را دارد اما نسخه‌ی ایرانی آن و من به عنوان یک زن ایرانی به آن افتخار می‌کنم. این چادر از پشت مانند همین چادرهای معمولی نیم دایره ایست. اما از کمر تا ۴ سانت به پائین سه لایه است و حجم بدن را نشان نمی‌دهد هر دودست آزاد است. آسیب چادرهای آستینی امروز را ندارد و می‌توانی روگیری هم داشته باشی. چادر مهم ترین ویژگی اش این است که تو برای خودت یک حریم شخصی منحصر به فرد داری. با چادرهای آستین دار نمی‌توانی در هنگام لزوم رویت را بگیری. ما در دستورات دینی مان داریم که اگر کسی حد حجاب حداقلی را رعایت کرد و احساس کرد کسی نگاه ناسالمی به او دارد موظف است رویش را بیشتر بگیرد که با چادر اصیل ایرانی میسر است در ضمن آنکه کاربرد آسانی هم دارد. به عبارتی پوشیده تر از چادر و راحت تر از مانتو. از شما درخواست دارم که فرموده بودید مطالبی که در این ویژه نامه آمده مستند است مخصوصاً در مورد چادر مشکی که از فرنگ آمده آن سند چیست؟ و سوال دیگر اینکه مگر علمای ما مشکی را برای چادر و عمامه از مکروهات استثناء نکرده‌ان؟ مگر مکروهات و مستحبات از سوی شرع مقدس تعیین نشده است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: به نظر بنده بین بهتر بودن چادر به عنوان حجاب برتر و بین مشکی بودن آن خلط شده. جناب آقای کلهر نیز در آن نوشته معتقدند چادر حجاب برتر است و جناب خانم نیلچی زاده نیز بر همین تأکید دارند که چادر از اول بوده و شکل کامل چادر همان چادری است که ایشان شرح می‌دهند، ولی سخن در مشکی بودن آن است و اصرار بر این که چادر مشکی حجاب برتر است، سخن آقای کلهر آن است که از زمان قاجار این موضوع مطرح شده و آقای کلهر نفرمودند قبلاً چادر مشکی نبوده که بعضی‌ها خواستند آن را دلیل بر نقص سخن آقای کلهر مطرح کنند. ایشان فرهنگ انحصاری دانستن چادر مشکی را در محافل رسمی مربوط به دوره‌ی قاجاری دانند و حرف اصلی بنده این‌ها نبود، عرض بنده این بود که چرا موضوع را سیاسی کردند و تا آن‌جا جلو رفتند که گویا یک جرمی واقع شده که این بحث در آن مجله پیش آمده و مجله را متهم به فمینیسم کردند. در حالی که به نظر بنده این بنده‌های خدا در آن مجله سوز اسلام دارند و حرفشان آن است که راحتی هرکی را - حتی بی‌حجاب‌ها را - از دایره‌ی اسلام بیرون نکنید و این همان حرفی است که مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» در سفر اخیرشان به خراسان شمالی در جمع روحانیون زدند. در ضمن سخن آقای معتضد موضوع را عوض نمی‌کند چون بالاخره از زمان قاجار چادر به این نحوه که حتماً در مراسم رسمی باید مشکی باشد پیش آمد. عمده منظور نویسنده‌ی آن مقاله بود که به جهت سیاسی‌کاری‌ها شنیده نشد. موفق باشید